



خانه‌های عجیب

- نوشته‌ی طاهره خردور
- تصویرگر: سام سلماسی

زنبور



• **فهمیدم:** زنبورها شاخه‌ی نازک درختان را می‌جوئند، آن را با آب دهانشان خمیر می‌کنند. و با این خمیر، کندو را می‌سازند.



- **گفتم:** «زنبور طلائی! چه خانه‌ی بزرگ و زیبایی داری. چه قدر اتاق دارد!»
- **گفت:** «بله، خانه‌ی من، هم زیباست و هم شیرین. نام آن کندو است.»

- **گفتم:** «وای، خاله عنکبوت! افتاده‌ای توی تور؟»
- **گفت:** «نه! این تور، خانه‌ی من است. آن را با آب دهانم ساخته‌ام.»

عنکبوت

• **فهمیدم:** خانه‌ی عنکبوت‌ها، تارهای نازک و محکمی است که چسبناکند. حشره‌ها توی این تارها می‌افتند و غذای عنکبوت می‌شوند.



سگِ آبی



● **فهمیدم:** خانه‌ی سگ آبی
سوراخی است در زیر آب. این
خانه راهروهای زیادی دارد که
به خشکی می‌رسد.



● **گفتم:** «آهای سگ آبی، چرا این همه شاخه و برگ
و تنه‌ی درخت را به زیر آب می‌بری؟»
● **گفت:** «دارم خانه‌ام را می‌سازم. یک خانه‌ی خیلی
بزرگ، از خشکی تا زیر آب.»

مورچه

● **گفتم:** «آهای مورچه کوچولو، نرو تو سوراخ زمین. آن زیر، خفه می‌شوی.»
● **گفت:** «نترس، من توی سوراخ زیر زمین، خانه دارم. خانه‌ای با راهروهای
دراز و پیچ در پیچ.»

● **فهمیدم:** خانه‌ی مورچه‌ها
راهروهای دراز و باریکی در زیر
زمین است. آن‌ها در این راهروها
غذای زمستانشان را نگه‌داری
می‌کنند.

